

نقد روانکاوانه بر اشعار مهدی اخوان ثالث: واکاوی ناخودآگاه اجتماعی و سیاسی در لایه‌های درونی متن

فاطمه زهرا موسوی^۱، جواد صالحی^{۲*}

۱. دانشکده نقد و نظریه ادبی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

۲. دانشکده نقد و نظریه ادبی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: salehijavaddr@atu.ac.ir

چکیده

این مقاله به تحلیل مفاهیم هویت و جایگاه در شعر احمدرضا احمدی می‌پردازد و از طریق بررسی دقیق نمادها، استعاره‌ها و تکنیک‌های زبانی مورد استفاده او، تلاش می‌کند تا درکی عمیق از چگونگی بازنمایی خود و دیگری در اشعار او ارائه دهد. احمدی با بهره‌گیری از زبانی ساده اما چندلایه و استفاده از عناصر نمادین مانند «آینه»، «سایه»، «خانه» و «شهر»، توانسته است به خلق تصاویری بپردازد که مفاهیم پیچیده‌ای از هویت و جایگاه فردی و اجتماعی را به تصویر می‌کشند. این پژوهش با هدف پاسخ به پرسش‌هایی در مورد نحوه بازنمایی هویت و جایگاه در آثار احمدی و تأثیر آن‌ها بر ادبیات معاصر فارسی، به بررسی عناصر ساختاری و معنایی در اشعار او پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که احمدی با ترکیب تکنیک‌های بلاغی و استعاره‌ای، هویتی پویا و در حال تغییر را خلق کرده که نه تنها بازتاب‌دهنده تجربه‌های فردی بلکه نمایانگر تعاملات اجتماعی و فرهنگی در جامعه معاصر است. در نتیجه، شعر احمدی با ارائه بازنمایی‌های پیچیده از خود و دیگری، الگویی برای بررسی تحولات هویتی و جایگاهی در ادبیات فارسی معاصر به شمار می‌آید و می‌تواند به عنوان یک چارچوب نظری برای فهم و تفسیر مفاهیم مرتبط با هویت و جایگاه در ادبیات مورد استفاده قرار گیرد.

کلیدواژگان: هویت، جایگاه، احمدرضا احمدی، خود و دیگری، نماد، استعاره، ادبیات معاصر فارسی.



شبهه استناددهی: موسوی، فاطمه زهرا، و صالحی، جواد. (۱۴۰۳). نقد روانکاوانه بر اشعار مهدی اخوان ثالث: واکاوی ناخودآگاه اجتماعی و سیاسی در لایه‌های درونی متن. گنجینه زبان و ادبیات فارسی، ۵۷(۱)، ۴۵-۵۷.

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۴ بهمن ۱۴۰۲

تاریخ بازنگری: ۱۲ اسفند ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۲۹ اسفند ۱۴۰۲

تاریخ چاپ: ۱۳ فروردین ۱۴۰۳

The Treasury of Persian Language and Literature

Psychological Critique of the Poems of Mahdi Akhavān Tālisi: An Exploration of Social and Political Unconscious in the Text's Inner Layers

Fatemeh Zahra Mousavi¹, Javad Salehi^{2*}

1. Department of Literary Criticism and Theory, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

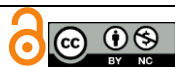
2. Department of Literary Criticism and Theory, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

*Corresponding Author's Email: salehijavaddr@atu.ac.ir

Abstract

This article analyzes the concepts of identity and place in the poetry of Ahmadreza Ahmadi, examining his use of symbols, metaphors, and linguistic techniques to portray self and other. Through a simple yet multilayered language and symbolic elements such as "mirror," "shadow," "home," and "city," Ahmadi creates complex images that depict intricate ideas of individual and social identity and place. This study addresses questions about how Ahmadi represents identity and place in his works and their impact on contemporary Persian literature, exploring the structural and semantic elements of his poetry. Findings indicate that Ahmadi, by blending rhetorical and metaphorical techniques, constructs a dynamic and evolving sense of identity that reflects not only individual experiences but also social and cultural interactions in contemporary society. Ahmadi's poetry, with its intricate portrayals of self and other, provides a model for exploring transformations in identity and place within modern Persian literature. It serves as a theoretical framework for understanding and interpreting identity-related concepts within literature.

Keywords: *Identity, Place, Ahmadreza Ahmadi, Self and Other, Symbol, Metaphor, Contemporary Persian Literature.*



How to cite: Mousavi, Fatemeh Zahra., & Salehi, J. (2024). Psychological Critique of the Poems of Mahdi Akhavān Tālisi: An Exploration of Social and Political Unconscious in the Text's Inner Layers. *The Treasury of Persian Language and Literature*, 2(1), 45-57.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 24 January 2024

Revise Date: 2 March 2024

Accept Date: 19 March 2024

Publish Date: 1 April 2024

اجتماعی و تاریخی قرار گیرد، به تصویر می‌کشد. او در شعرهایش از تصاویر چندلایه و زبان شعر آزاد استفاده می‌کند تا نشان دهد که هویت و جایگاه تنها بر اساس تعریف‌های ثابت و ایستا معنا نمی‌یابند، بلکه پیوسته در حال تغییر و بازسازی هستند. این ویژگی آثار احمدی به خواننده امکان می‌دهد تا درک جدیدی از هویت و جایگاه در فضای پیچیده اجتماعی معاصر به دست آورد (2).

از این رو، بررسی جایگاه و هویت در شعر احمدرضا احمدی نه تنها در سطح فردی، بلکه به عنوان نماینده‌ای از ذهنیت و تحولات اجتماعی-فرهنگی دوران معاصر، حائز اهمیت است. شعر او به طرز عمیقی با مفاهیم اجتماعی و فرهنگی درآمیخته است و از این رهگذر توانسته است نقدهای هنرمندانه‌ای بر اجتماع ارائه دهد. در شعر احمدی، «خود» و «دیگری» نه به عنوان مفاهیمی ساده، بلکه به عنوان عناصر پیچیده‌ای که دارای تعاملات پویا هستند، تصویر می‌شوند. این تعاملات گاهی به صورت چالش و تضاد و گاهی به شکل اتحاد و همدلی به نمایش گذاشته می‌شوند. از طریق این بازنمایی‌ها، احمدی توانسته است به زبانی دست یابد که ظرفیت بیان شکاف‌ها، تعارض‌ها و همزیستی‌های موجود در جامعه را دارد (3).

هدف این پژوهش، بررسی و تحلیل مفاهیم هویت و جایگاه در شعر احمدرضا احمدی و بازنمایی خود و دیگری در آن است. پرسش اصلی این است که احمدی چگونه مفاهیم هویت و جایگاه را در اشعار خود بازنمایی می‌کند و چه عناصر زبانی و بلاغی را برای این بازنمایی به کار می‌گیرد. همچنین، این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش است که چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی بین هویت فردی و هویت جمعی در اشعار احمدی قابل مشاهده است. این سؤالات از آن جهت مطرح می‌شوند که شعر احمدی با بهره‌گیری از زبان نمادین و غنی خود، می‌تواند منبعی برای درک و تبیین تحولات هویتی در سطح فردی و اجتماعی در دوران معاصر باشد. علاوه بر این، این پژوهش به بررسی این نکته

مفهوم هویت در ادبیات، به ویژه در ادبیات معاصر فارسی، یکی از مفاهیم پیچیده و چندبعدی است که با تغییرات اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی تحول یافته و بازتعریف شده است. هویت نه تنها به معنای شخصیتی فردی، بلکه به عنوان پدیده‌ای اجتماعی و فرهنگی با توجه به بسترهای خاص مورد بررسی قرار می‌گیرد. هویت در شعر فارسی، ابزاری برای بازنمایی خود و دیگری، بیان تضادها و درگیری‌های درونی و اجتماعی و حتی انتقادات نسبت به ارزش‌ها و ساختارهای اجتماعی است. جایگاه به عنوان یکی از مفاهیم اساسی مرتبط با هویت، به موقعیت فرد یا گروه در جامعه و درک آن‌ها از خودشان نسبت به دیگران اشاره دارد. در ادبیات و به خصوص در شعر فارسی، جایگاه به عنوان ساختاری متغیر به تصویر کشیده می‌شود که از عناصر مختلفی نظیر جنسیت، طبقه، تعلقات قومی و فرهنگی و حتی نوع دیدگاه فرد به جامعه و زندگی تأثیر می‌پذیرد. بررسی هویت و جایگاه در شعر، به ویژه شعر معاصر فارسی، به دلیل تحولات فرهنگی و اجتماعی معاصر و چالش‌های جدید در بازنمایی این مفاهیم، از اهمیت بالایی برخوردار است. این موضوع در آثار شاعران معاصر ایران از جمله احمدرضا احمدی به شیوه‌ای خاص و منحصر به فرد مورد بازنمایی قرار گرفته است، زیرا وی توانسته است با خلق تصاویر و استعاره‌هایی از خود و دیگری، هویت و جایگاه را به چالش بکشد و بازتعریف کند (1).

شعر احمدرضا احمدی در طی چندین دهه فعالیت شعری خود، همواره به دنبال خلق فضای متفاوتی برای بیان هویت بوده است. وی نه تنها به بازنمایی هویت فردی و شخصی پرداخته، بلکه با استفاده از نمادها، استعاره‌ها و اشارات غیرمستقیم، به بازنمایی هویت جمعی و جایگاه اجتماعی نیز می‌پردازد. احمدی به عنوان یکی از تأثیرگذارترین شاعران معاصر فارسی، با زبانی نو و خلاق، هویت را به عنوان امری پویایی که می‌تواند تحت تأثیر تغییرات

می‌پردازد که آیا شعر احمدی قادر به بازنمایی جایگاه اجتماعی به عنوان عنصر مهمی از هویت است و چگونه این جایگاه به واسطه‌ی ساختارهای زبانی و استعاره‌ی در آثار او جلوه می‌کند.

یکی دیگر از اهداف این پژوهش، تحلیل چگونگی استفاده احمدی از مفهوم دیگری در اشعارش است. این مفهوم به شیوه‌ای خاص در شعر او نمایان می‌شود، زیرا وی از دیگری نه تنها به عنوان نقطه مقابل خود، بلکه به عنوان آینه‌ای برای درک هویت و جایگاه خود بهره می‌گیرد. دیگری در آثار احمدی به نوعی نمایانگر محدودیت‌ها، چالش‌ها و در عین حال امکان‌های بازتعریف هویت است. از این منظر، تحلیل اشعار احمدی می‌تواند به روشن‌تر شدن تعاملات پیچیده میان خود و دیگری کمک کند و درک جدیدی از جایگاه اجتماعی و فرهنگی فرد در فضای معاصر ارائه دهد. این تعامل میان خود و دیگری در ادبیات معاصر فارسی و به ویژه در اشعار احمدی به عنوان بازنمایی از کشمکش‌های درونی و اجتماعی فرد با جامعه به کار رفته و نشان می‌دهد که چگونه این کشمکش‌ها می‌توانند به بازسازی و تقویت هویت منجر شوند (4).

در این پژوهش به دنبال آن هستیم که نشان دهیم چگونه احمدی از ابزارهای زبانی و بلاغی نظیر استعاره، نماد و تصویرسازی برای بازنمایی هویت و جایگاه استفاده می‌کند. این پژوهش سعی دارد به تحلیل عمقی و دقیق این عناصر بپردازد و به بررسی چگونگی تأثیر آن‌ها بر تجربه‌ی خواننده و درک او از هویت و جایگاه بپردازد. از دیدگاه زبانی‌شناختی، شعر احمدی مجموعه‌ای از تجربیات و احساسات گوناگون را به تصویر می‌کشد که خود را در قالب مفاهیمی نظیر خود و دیگری نشان می‌دهند. از طریق این نمادها و استعاره‌ها، احمدی به دنبال خلق جهانی است که در آن هویت به عنوان مفهومی پویا و تغییرپذیر در تعامل با محیط پیرامون تصویر شود (5).

با توجه به این اهداف و سؤالات پژوهشی، این تحقیق به بررسی ساختارهای زبانی و بلاغی شعر احمدرضا احمدی خواهد

پرداخت و به تفسیر چگونگی بازنمایی هویت و جایگاه در آن خواهد پرداخت. این پژوهش به‌طور خاص بر آن است که نشان دهد چگونه احمدی از جایگاه خود به عنوان شاعر برای بازنمایی تجربیات مشترک و همچنین برای به چالش کشیدن ایدئولوژی‌های فرهنگی و اجتماعی استفاده می‌کند. این موضوع به خصوص در بستری که او اشعارش را خلق کرده و تحولاتی که جامعه از آن زمان تاکنون پشت سر گذاشته، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (6). بنابراین، پژوهش حاضر با توجه به پیچیدگی‌های مفاهیم هویت و جایگاه، به دنبال بررسی و تحلیل عمیق این مفاهیم در شعر احمدی است تا به درک بهتری از بازنمایی‌های اجتماعی و فرهنگی در آثار او دست یابد.

روش‌شناسی

در این پژوهش از روش کیفی استفاده شده که امکان تمرکز بر تحلیل دقیق عناصر زبانی و مفهومی در متن‌های شعری را فراهم می‌کند. رویکرد کیفی در اینجا به معنای تمرکز بر درک پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی از دیدگاه شاعر و بازتاب آن‌ها در شعر است، که نیازمند بررسی دقیق متون ادبی و استخراج معناهای نهفته در آن‌هاست. در این مطالعه، تلاش شده است تا از میان آثار احمدرضا احمدی آن دسته از شعرها انتخاب شوند که به بازنمایی خود و دیگری پرداخته و ارتباطی عمیق با مفهوم هویت و جایگاه دارند. در فرایند انتخاب نمونه‌ها، ابتدا تمام آثار منتشرشده از احمدرضا احمدی مورد بررسی قرار گرفت و نمونه‌هایی که در آن‌ها مفاهیم خود و دیگری به وضوح برجسته بودند، برای تحلیل انتخاب شدند. نمونه‌ها بر اساس شاخص‌هایی همچون استفاده از نمادها و استعاره‌های هویتی، تصویرسازی از جایگاه شاعر یا افراد دیگر، و همچنین رویکرد شاعرانه به عناصر هویتی انتخاب شدند. در انتخاب این شعرها، سعی شده است که نمونه‌هایی از آثار مختلف احمدی از دوره‌های متفاوت شعری او گنجانده شود تا بتوان روند

تغییرات و تحولات مفاهیم هویتی و جایگاه را در طول زمان مشاهده کرد.

روش تحلیل داده‌ها در این پژوهش، بر اساس تحلیل محتوای متنی و مفهومی است. در این راستا، اشعار انتخاب شده به‌طور جداگانه مطالعه و مورد تحلیل قرار گرفته و در این تحلیل تلاش شده است تا لایه‌های مختلف معنایی در اشعار آشکار شوند. برای دستیابی به این هدف، ابتدا هر شعر به دقت خوانده و بخش‌هایی از آن که به نوعی با مفاهیم هویت، جایگاه، خود و دیگری مرتبط بودند، شناسایی و علامت‌گذاری شدند. پس از آن، این بخش‌ها بر اساس نظریه‌های مطرح در حوزه‌ی هویت و خود، تفسیر و تحلیل شدند. در این مرحله، تحلیل مفهومی نقش مهمی ایفا کرد، چراکه درک معنای نهفته در نمادها و استعاره‌ها نیازمند تأمل و تجزیه و تحلیل دقیق است. به این ترتیب، تحلیل مفهومی امکان بررسی عمیق‌تر را فراهم کرده و معانی پنهان در ورای متن را آشکار می‌سازد.

برای افزایش دقت و اعتبار تحلیل، یافته‌ها به‌طور مداوم با مفاهیم و نظریه‌های مطرح شده در مبانی نظری پژوهش تطبیق داده شدند. این امر به پژوهشگر اجازه می‌دهد تا ارتباط تنگاتنگ بین تئوری و داده‌ها را درک کند و بدین ترتیب اطمینان حاصل شود که نتایج به دست آمده، بر پایه‌ی شواهد متنی و ادبیات پژوهش استوار است. تحلیل نهایی اشعار، تلاشی است برای کشف و تفسیر سازوکارهایی که احمدرضا احمدی از طریق آن‌ها به بازنمایی هویت و جایگاه پرداخته و خود و دیگری را در شعر معاصر فارسی به تصویر کشیده است.

مبانی نظری

در مبانی نظری این پژوهش، ابتدا مفاهیم کلیدی هویت، جایگاه، خود و دیگری تعریف می‌شوند تا بستری نظری برای تحلیل مفاهیم در شعر احمدرضا احمدی فراهم شود. هویت در چارچوب ادبیات به عنوان مفهومی پویا و چندلایه شناخته می‌شود که بازتاب پیچیدگی‌های شخصیتی، فرهنگی و اجتماعی فرد است. این مفهوم

تنها به جنبه‌های فردی محدود نمی‌شود و به‌طور گسترده به جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی نیز می‌پردازد. هویت فردی در ادبیات، به‌ویژه شعر فارسی، نه تنها بازتابی از نگرش فرد به خود، بلکه انعکاسی از موقعیت او در جامعه و تأثیرات آن است. جایگاه نیز به معنای موقعیتی است که فرد یا گروه در اجتماع اشغال می‌کند و با تعبیر هویتی پیوند عمیقی دارد. جایگاه به مفهوم کلی موقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی اشاره دارد و در شعر به عنوان بازنمایی فضایی از خود و دیگری در مقابل اجتماع و فرهنگ، جایگاهی خاص پیدا می‌کند (3). در شعر فارسی، جایگاه فرد از طریق تعاملات، روابط اجتماعی، و حتی چالش‌های درونی و بیرونی تبیین می‌شود. این تعاملات، بستری را برای بازنمایی‌های چندوجهی از خود و دیگری فراهم می‌کنند.

خود و دیگری به‌عنوان مفاهیمی مرتبط با هویت و جایگاه، از عناصر بنیادین در نقد ادبی و فلسفی محسوب می‌شوند. در نقد ادبی، خود به‌عنوان محور اصلی درک هویت فردی مطرح است که از خلال تعاملات با دیگری بازتعریف می‌شود. دیگری، که به عنوان یک بازتاب یا حتی تضاد با خود مطرح می‌شود، می‌تواند عاملی برای تبیین هویت، بازنمایی تفاوت‌ها، و حتی تعارض‌ها باشد. نظریه‌های مربوط به خود و دیگری، به ویژه در نقد ادبی، توجه ویژه‌ای به چگونگی شکل‌گیری و بازنمایی هویت دارند. در این راستا، نظریه‌های جامعه‌شناختی نظیر نظریه‌ی آینه‌ای کول، به فهم مفهوم دیگری و نقش آن در شکل‌گیری هویت فردی کمک می‌کنند. به‌ویژه، از دیدگاه فلسفی، دیگری نه تنها به‌عنوان نقطه‌ی مقابل یا منعکس‌کننده‌ی خود بلکه به‌عنوان نیرویی برای تعریف و بازتعریف هویت در نظر گرفته می‌شود. این دیدگاه‌ها به‌ویژه در مورد شعر احمدرضا احمدی، که خود و دیگری را به‌صورت نمادین و استعاری به تصویر می‌کشد، به تحلیل عمیق‌تری از مفاهیم هویتی در آثار او کمک می‌کنند (2).

در حوزه نظریات ادبی، رویکردهای پسااستعماری و فمینیستی به مفهوم هویت و دیگری توجه ویژه‌ای دارند. نظریات پسااستعماری، هویت را به‌عنوان مفهومی در حال تحول و تحت تأثیر نیروهای بیرونی و ساختارهای قدرت مطرح می‌کنند. در این رویکردها، دیگری اغلب به‌عنوان نماینده‌ی قدرت یا سلطه تلقی می‌شود که از طریق فرآیندهای ادبی و روایتی با هویت فردی یا جمعی در تعامل است. نظریات فمینیستی نیز با تأکید بر موقعیت زن در جامعه و بازنمایی او به‌عنوان دیگری، به تحلیل مفاهیمی همچون جایگاه و نقش هویتی می‌پردازند. این نظریات، هویت و دیگری را از دیدگاه جنسیتی تحلیل می‌کنند و به‌ویژه در تحلیل شعر احمدرضا احمدی که گاهی از زبان زنانه و نمادهای مرتبط با آن استفاده می‌کند، می‌توانند کارآمد باشند. این تحلیل‌ها نشان می‌دهند که هویت نه به‌عنوان امری ایستا، بلکه به‌عنوان فرآیندی پویا که تحت تأثیر روابط و تنش‌ها بین خود و دیگری است، تعریف می‌شود (7).

از منظر روان‌شناختی، نظریه‌ی روان‌شناسی تحلیلی یونگ درباره‌ی هویت و دیگری تأثیر بسزایی در تحلیل ادبیات معاصر، به‌ویژه شعر، داشته است. در این نظریه، هویت فرد شامل مجموعه‌ای از تجربیات و تصاویر است که از خلال فرآیندهای ناخودآگاه شکل می‌گیرد. دیگری در این نظریه به‌عنوان بخشی از خود ناخودآگاه تلقی می‌شود که در طول زندگی و به‌ویژه در مواجهه با تجارب فردی و اجتماعی بروز می‌یابد. یونگ معتقد است که هویت به‌عنوان یک کهن‌الگو در ناخودآگاه جمعی افراد وجود دارد و با درک دیگری می‌تواند تکامل یابد. در شعر احمدرضا احمدی، این دیدگاه‌ها از طریق استفاده از تصاویر و نمادهای چندلایه و گاه‌تاریک به‌صورت چشمگیری به نمایش گذاشته می‌شود. احمدی با استفاده از زبان غنی و نمادهای عمیق، به بازنمایی هویت در قالب سفرهای درونی و مواجهه با دیگری پرداخته و نشان داده است که

هویت نه تنها از خلال خودآگاهی، بلکه در برخورد و تعامل با دیگران شکل می‌گیرد (5).

از دیدگاه فلسفی، فیلسوفان اگزیستانسیالیستی نظیر سارتر و مرلوپونتی نیز به تحلیل مفاهیم خود و دیگری پرداخته‌اند. در فلسفه اگزیستانسیالیستی، دیگری به‌عنوان نیرویی خارجی که همواره حضور دارد و بر ادراک فرد از خود تأثیر می‌گذارد، مطرح می‌شود. سارتر معتقد است که دیگری به فرد امکان می‌دهد تا از طریق چشم دیگری به خود نگاه کند و در نتیجه، خودآگاهی او نسبت به هویت و جایگاهش به شدت تحت تأثیر قرار می‌گیرد. این مفهوم در شعر احمدرضا احمدی به خوبی نمود یافته است. احمدی از دیگری به‌عنوان نمادی برای تقابل و تعامل با خود بهره می‌گیرد تا به کشف و بازسازی هویت درونی بپردازد. او از طریق تقابل و تضاد میان خود و دیگری، نه تنها به بازنمایی موقعیت‌ها و جایگاه‌های اجتماعی بلکه به تحلیل درونی از خود به‌عنوان یک انسان پیچیده و چندلایه دست می‌یازد (1).

از سوی دیگر، نقد ادبی مدرن و پسامدرن نیز مفاهیم هویت و دیگری را در قالب‌های جدیدی به کار گرفته‌اند. نظریه‌های پسامدرن به پیچیدگی‌های هویتی و تداخل نقش‌ها و جایگاه‌های اجتماعی تأکید دارند و به جای نگاه ایستا به هویت، بر تغییرپذیری و سیال بودن آن در تعامل با دیگری تأکید می‌کنند. در این دیدگاه‌ها، هویت یک ساختار ثابت نیست بلکه متغیری است که تحت تأثیر فرایندهای اجتماعی و فرهنگی همواره در حال بازسازی و تغییر است. در شعر احمدی، این ویژگی‌ها به‌وضوح قابل مشاهده است. او با استفاده از زبان چندلایه و تصاویر شاعرانه به خلق فضایی می‌پردازد که در آن هویت، مفهومی سیال و پویا است و دیگری به‌عنوان عنصری چالش‌برانگیز و تاثیرگذار در تغییر هویت فردی و اجتماعی به‌کار می‌رود. این رویکرد پسامدرن به هویت در آثار احمدی باعث می‌شود که شعر او به یکی از

معاصر برجسته ایران، با بهره‌گیری از زبان ساده اما عمیق، توانسته است به بازنمایی هویتی دست یابد که از دوگانگی‌های درونی و بیرونی فرد سرچشمه می‌گیرد. در اشعار او، هویت و جایگاه از طریق نمادها و استعاره‌هایی که از واقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی بهره می‌گیرند، به تصویر کشیده می‌شوند. احمدی از زبانی بهره می‌گیرد که خواننده را به بازاندیشی در معنا و هویت انسانی دعوت می‌کند و سعی دارد هویت فرد را نه به‌عنوان مفهومی ایستا، بلکه به‌عنوان پدیده‌ای پویا و در حال تغییر به تصویر بکشد. در این راستا، اشعار او همواره در تعاملی سازنده و گاه تضادآمیز با دیگری قرار دارند، به گونه‌ای که مفهوم دیگری به بخشی جدایی‌ناپذیر از بازتاب هویت تبدیل می‌شود (2).

یکی از ویژگی‌های برجسته در شعر احمدی، استفاده از استعاره‌هایی است که به خلق تصاویر چندلایه منجر می‌شود. این تصاویر، ضمن ارائه‌ی درک عمیق از هویت، جایگاه فرد را در جامعه به شیوه‌ای پیچیده اما قابل لمس نمایان می‌سازند. برای مثال، در برخی از اشعار او، واژه‌هایی نظیر «سایه» و «آینه» به کرات به کار می‌روند. این واژه‌ها به صورت نمادین به خود و دیگری اشاره دارند؛ سایه به‌عنوان بازتاب هویت و خودی است که در برابر نور، جایگاه خود را به وضوح نشان می‌دهد، در حالی که آینه، دیگری را به‌عنوان بازتابی از خود و تجربه‌های زیسته معرفی می‌کند. این مفاهیم نمادین، نه تنها به شاعر امکان می‌دهند تا ابعاد مختلف هویتی و جایگاه را به تصویر بکشد، بلکه خواننده را نیز به فهم و تأمل در مورد نقش خود و دیگری در شکل‌گیری هویت فرا می‌خوانند. از این منظر، احمدی به نوعی با خلق این استعاره‌ها، میان فرد و اجتماع پلی می‌زند که در آن هویت فردی و جمعی در هم تنیده‌اند (3).

از دیگر تکنیک‌های ادبی که احمدی برای بازنمایی هویت به کار می‌برد، استفاده از زبانی ساده اما پرمفهوم است که توانایی انتقال پیچیدگی‌های درونی فرد را دارد. او در عین حال که از زبان

عرصه‌های مهم برای بررسی چگونگی انعکاس تحولات فرهنگی و اجتماعی تبدیل شود (6).

از منظر نظریات بازنمایی در نقد ادبی و جامعه‌شناسی، بازنمایی هویت و جایگاه به عنوان فرآیندی برای تصویرسازی از خویش و دیگری در متون ادبی نقش دارد. مفهوم بازنمایی در ادبیات، نشان‌دهنده تلاش‌های یک نویسنده یا شاعر برای ایجاد تصویری از خود و دیگران است که به‌واسطه‌ی ابزارهای ادبی و بلاغی بیان می‌شود. در شعر فارسی، به‌ویژه در آثار شاعران معاصر نظیر احمدی، بازنمایی هویت از طریق استعاره‌ها و نمادها، تبدیل به یکی از شیوه‌های برجسته و مؤثر برای نمایش چندگانگی‌های هویتی و جایگاه‌های اجتماعی شده است. احمدی از این ابزارها بهره می‌گیرد تا تصاویر و مفاهیمی پیچیده از خود و دیگری بسازد و از طریق این بازنمایی‌ها، به بررسی و تحلیل روابط فرد و جامعه بپردازد (4).

در نهایت، بررسی مبانی نظری مرتبط با هویت و دیگری نشان می‌دهد که شعر احمدی به‌عنوان یکی از عرصه‌های غنی و پیچیده برای تحلیل هویت و جایگاه فردی و اجتماعی، نمایانگر استفاده هنرمندانه از این مفاهیم در قالب ادبی است. احمدی با به کارگیری استعاره‌ها و تصاویر چندلایه، نشان می‌دهد که هویت نه تنها یک بازتاب درونی بلکه تلاشی برای درک موقعیت در جامعه و تعامل با دیگری است. از طریق بهره‌گیری از نظریه‌های ادبی، روان‌شناختی و فلسفی، تحلیل آثار احمدی می‌تواند به درک عمیق‌تری از مفهوم هویت و جایگاه در ادبیات معاصر فارسی کمک کند و زمینه‌ساز بحث‌های جدید در حوزه نقد ادبی و فلسفه ادبیات باشد.

تحلیل و بررسی اشعار احمدرضا احمدی

در تحلیل اشعار احمدرضا احمدی، مفاهیم هویت و جایگاه به عنوان دو عنصر بنیادین که به پیچیدگی و عمق اشعار او افزوده‌اند، به وضوح قابل تشخیص هستند. احمدی، به‌عنوان یکی از شاعران

مانند «خانه» و «شهر»، هویت را به شکلی محلی و در عین حال جهان‌شمول به تصویر می‌کشد. خانه در اشعار احمدی، نمادی از امنیت، هویت فردی و تعلق خاطر است. این مفهوم، بیانگر آن است که هویت فرد در چارچوبی خصوصی شکل می‌گیرد که از طریق تعاملات اجتماعی به محیط بزرگ‌تر گسترش می‌یابد. از سوی دیگر، شهر نمادی از جایگاه اجتماعی و هویت جمعی است که به خواننده کمک می‌کند تا جایگاه خود را در جهان گسترده‌تری درک کند. به عبارت دیگر، احمدی از این نمادها به عنوان ابزارهایی برای ایجاد فضایی استفاده می‌کند که در آن هویت فرد در مقابل و در تعامل با جامعه تعریف می‌شود و پیوندی میان هویت فردی و جمعی ایجاد می‌گردد (6).

یکی دیگر از عناصر مهم در شعر احمدی، زبان بلاغی و استفاده از تضادهای معنایی است که به نمایان‌سازی شکاف‌ها و چالش‌های موجود در هویت فردی کمک می‌کند. او از این تضادها برای بازتاب دوگانگی‌های درونی و بیرونی هویت بهره می‌گیرد. به عنوان مثال، در برخی از اشعار او، تضادهایی مانند نور و تاریکی یا آرامش و ناآرامی به کار گرفته می‌شوند تا فرآیند تکامل و تغییر هویت فردی در مواجهه با شرایط مختلف را نشان دهند. این تضادهای معنایی، به ویژه در ارتباط با دیگری، به عنوان عامل محرکی برای رشد و تغییر هویت در نظر گرفته می‌شوند. به این ترتیب، احمدی با استفاده از زبان بلاغی و تضادهای معنایی، به خواننده اجازه می‌دهد تا تجربه‌های چندگانه و پیچیده هویتی را درک کرده و به تفسیر مجدد از جایگاه خود در جامعه بپردازد (7).

احمدی از تکرار و تناوب در ساختار شعری خود بهره می‌گیرد تا به بازنمایی هویتی سیال و متغیر دست یابد. این تکرارهای معنایی و زبانی، به خواننده کمک می‌کنند تا روند تغییر و تحول هویتی را بهتر درک کند. از طریق این ساختار، احمدی نشان می‌دهد که هویت، نه به عنوان یک پدیده ثابت، بلکه به عنوان فرآیندی پویا و جاری، به طور مداوم در حال بازسازی و بازآفرینی است. این

ساده‌ای بهره می‌گیرد، به ترکیب آن با تصاویری می‌پردازد که هر کدام به یک معنای عمیق اشاره دارند. به عنوان مثال، او گاه از تصاویر طبیعی مانند درخت و رودخانه استفاده می‌کند تا مفهوم هویت را به‌عنوان پدیده‌ای جاری و در حال تغییر به تصویر بکشد. در این تصاویر، درخت به عنوان نمادی از ثبات و جایگاه فرد در جهان پیرامون و رودخانه به عنوان نمادی از تغییرات و تحولات درونی فرد مورد استفاده قرار می‌گیرند. این تصاویر نه تنها خواننده را به تأمل در مورد هویت و جایگاه فرا می‌خوانند، بلکه از طریق ترکیب با زبان ساده، به خواننده اجازه می‌دهند که به راحتی به عمق مفاهیم دست یابد و درک کند که چگونه هویت در مواجهه با محیط پیرامون و دیگران، پیوسته در حال بازسازی و تغییر است (5).

در شعر احمدی، دیگری همواره به‌عنوان عاملی تاثیرگذار در شکل‌گیری و بازنمایی هویت حضور دارد. او به‌وضوح نشان می‌دهد که هویت فرد تنها از طریق تعامل با دیگری معنا پیدا می‌کند. برای احمدی، دیگری می‌تواند نمادی از جامعه، فرهنگ، و یا حتی بخشی از وجود خود فرد باشد که در تضاد یا تعامل با او قرار می‌گیرد. در برخی از اشعار او، دیگری به‌عنوان موجودی ناشناخته و اسرارآمیز ظاهر می‌شود که هویت فرد را به چالش می‌کشد و او را وادار به بازنگری و بازتعریف خود می‌کند. این مفهوم از دیگری به‌ویژه در اشعاری که از استعاره‌های مرتبط با سفر و جستجو استفاده می‌کنند، به خوبی به نمایش گذاشته می‌شود. احمدی از استعاره سفر برای نشان دادن فرآیند جستجوی هویت و مواجهه با دیگری استفاده می‌کند. این جستجو، به نوعی نمایانگر تلاش فرد برای یافتن جایگاه خود در جهان و همچنین تعامل با دیگرانی است که ممکن است به عنوان نقاط عطفی در این مسیر ظاهر شوند (1).

استفاده از نمادهایی که اشاره به مفاهیم چندگانه دارند، از دیگر ویژگی‌های برجسته شعر احمدی است. او با استفاده از نمادهایی

فرهنگ و دیگران است. این نتیجه‌گیری به‌ویژه با هدف پژوهش که در پی تبیین چگونگی بازنمایی هویت و جایگاه در اشعار اوست، همخوانی دارد (1).

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که احمدی با استفاده از نمادها و استعاره‌ها، توانسته است به طور هنرمندانه‌ای به تحلیل و بازنمایی مفاهیم خود و دیگری بپردازد. این رویکرد، که در بسیاری از آثار او به چشم می‌خورد، به خواننده کمک می‌کند تا درکی چندبعدی از هویت فردی و جایگاه اجتماعی به دست آورد. برای مثال، احمدی از نمادهایی مانند «آینه» و «سایه» به عنوان بازتاب‌هایی از خود و دیگری استفاده می‌کند و از این طریق، تعامل میان فرد و دیگران را در فرایند شکل‌گیری هویت بازنمایی می‌کند. این استعاره‌ها، که به صورت مکرر در شعر احمدی مشاهده می‌شوند، نقش مهمی در برجسته‌سازی تجربه‌های انسانی و اجتماعی او ایفا می‌کنند. به عبارت دیگر، شعر احمدی به‌طور خاص به مسائلی می‌پردازد که با هویت فردی و اجتماعی درگیرند و این مساله باعث می‌شود که شعر او به یکی از نمونه‌های برجسته بازنمایی هویت در ادبیات معاصر فارسی تبدیل شود (3).

یکی از پیامدهای برجسته این یافته‌ها برای ادبیات معاصر فارسی، تقویت روند بازنمایی‌های هویتی و اجتماعی در شعر است. شعر احمدی با بهره‌گیری از زبانی چندلایه و مفاهیم استعاری، فضایی را ایجاد می‌کند که در آن خواننده با پیچیدگی‌ها و تناقض‌های هویتی مواجه می‌شود. این روند نشان‌دهنده‌ی تاثیر عمیقی است که آثار احمدی بر زبان شعری و مضمون‌پردازی در ادبیات معاصر فارسی گذاشته‌اند. او با خلق زبانی که توانایی انتقال مفهومی‌های چندوجهی از هویت و جایگاه را دارد، به شاعران و نویسندگان دیگر الهام می‌بخشد تا به کاوش در مفاهیم مشابه بپردازند و از زبان ادبی به‌عنوان ابزاری برای بازنمایی هویت بهره بگیرند. به عبارت دیگر، زبان و تکنیک‌های ادبی مورد استفاده احمدی، به‌ویژه در زمینه‌ی تقابل خود و دیگری، به‌گونه‌ای در آثار او متبلور شده‌اند

روند، نشان‌دهنده‌ی نوعی از تعامل میان خود و دیگری است که در آن هویت به شکل مداوم تحت تاثیر عوامل بیرونی و درونی قرار می‌گیرد. در این روند، خود و دیگری به نوعی در یک حرکت دورانی و پیوسته به یکدیگر می‌پیوندند و از هم جدا می‌شوند، به گونه‌ای که هویت فرد به نوعی نمایانگر یک فرآیند داینامیک و پویای درونی و اجتماعی است (4).

در نهایت، تحلیل اشعار احمدرضا احمدی با تأکید بر مفاهیم هویت و جایگاه، نشان می‌دهد که او چگونه از تکنیک‌های ادبی، نمادها و استعاره‌ها برای بازنمایی این مفاهیم به‌طور نوآورانه‌ای بهره می‌گیرد. او با استفاده از زبانی ساده اما غنی، و از طریق ایجاد تصاویری چندلایه و پیچیده، به خواننده امکان می‌دهد که به درکی عمیق‌تر از جایگاه و هویت خود دست یابد. احمدی با استفاده از ساختارهایی نظیر تضادهای معنایی و تکرار زبانی، به بازنمایی فرآیند پیچیده و پویای هویتی می‌پردازد که در آن هویت فرد به طور مداوم تحت تاثیر روابط اجتماعی و تجربه‌های فردی قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، او به گونه‌ای از هویت سخن می‌گوید که در عین حال که فردی و منحصر به فرد است، به طور هم‌زمان تحت تاثیر تجربه‌های مشترک انسانی و تعاملات اجتماعی قرار دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که در بخش‌های پیشین نیز مشاهده شد، هویت و جایگاه در شعر احمدی نه تنها به عنوان عناصر موضوعی، بلکه به‌عنوان عناصر ساختاری و معنایی نیز نقش دارند. این موضوع نشان می‌دهد که احمدی با خلق تصاویری عمیق و چندلایه از خود و دیگری، به بازنمایی یک هویت پویا و در حال تغییر دست یافته است که به خواننده امکان می‌دهد تا جنبه‌های متنوعی از هویت و جایگاه انسانی را درک کند. یافته‌ها حاکی از آن است که احمدی توانسته است با استفاده از زبانی ساده اما پرمفهوم، به تصویری فراگیر از هویت دست یابد که شامل تعاملات فرد با جامعه،

که می‌توانند الهام‌بخش موج جدیدی از آثار در ادبیات معاصر فارسی باشند (6).

یافته‌های این پژوهش همچنین به درک بهتری از نقش زبان در بازنمایی هویت و جایگاه کمک می‌کنند. احمدی با استفاده از زبانی خاص که به نحوی باز و قابل تفسیر است، فضایی ایجاد می‌کند که خواننده را به چالش می‌کشد تا در معنای هویت و جایگاه تأمل کند. این زبان باز، که ترکیبی از استعاره‌ها، نمادها و تکنیک‌های بلاغی است، به خواننده امکان می‌دهد تا مفاهیم چندگانه‌ای از هویت را درک کرده و تجربه کند. به این ترتیب، شعر احمدی به خواننده نه تنها به‌عنوان مصرف‌کننده معنای از پیش تعریف‌شده بلکه به‌عنوان خالق معنای جدید نگریسته می‌شود. این ویژگی باعث می‌شود که آثار او قابلیت‌های منحصر به فردی در تفسیرپذیری داشته باشند و به‌عنوان نمونه‌ای از بازنمایی‌های هویتی و زبانی در ادبیات معاصر فارسی مطرح شوند. این قابلیت تفسیرپذیری و انعطاف زبانی در آثار احمدی، جایگاه او را در میان شاعران معاصر فارسی برجسته‌تر کرده و بر اهمیت پژوهش‌های بیشتر در زمینه‌ی بازنمایی هویت در ادبیات معاصر فارسی افزوده است (2).

از منظر دیگر، این پژوهش به فهم بهتر چگونگی تأثیرگذاری شعر احمدی بر شناخت و درک مفاهیم هویتی و جایگاهی کمک می‌کند. او با استفاده از نمادهایی که به طور مکرر در اشعارش به کار گرفته می‌شود، به‌ویژه در بیان تجربه‌های جمعی، هویت را به‌عنوان مفهومی اجتماعی و فرهنگی بازنمایی می‌کند. برای مثال، نمادهایی مانند «خانه» و «شهر» به ترتیب نمادهایی از هویت فردی و جایگاه اجتماعی هستند که در شعر احمدی به نوعی پیوندی میان فرد و اجتماع ایجاد می‌کنند. این نمادها، از طریق فرآیندهای تفسیری در ذهن خواننده، به مثابه ابزاری برای درک نقش اجتماع در شکل‌گیری هویت به کار می‌روند. این استفاده از نمادهای مشترک و چندمنظوره به خواننده امکان می‌دهد تا با شعر احمدی

به صورت همزمان در سطح فردی و اجتماعی ارتباط برقرار کند و از طریق این ارتباط، به درکی جدید از تعاملات هویتی دست یابد (7).

پیامدهای این یافته‌ها همچنین نشان می‌دهند که شعر احمدی می‌تواند به‌عنوان الگویی برای بررسی و تحلیل مفاهیم هویتی در ادبیات فارسی معاصر استفاده شود. تحلیل اشعار او به خواننده و پژوهشگران این امکان را می‌دهد که از طریق بازنمایی‌های هنری و ادبی، با چالش‌ها و تضادهای هویتی و جایگاهی آشنا شوند و به فهم عمیق‌تری از تعامل میان فرد و اجتماع دست یابند. این تعامل به ویژه در بستری فرهنگی و اجتماعی که همواره تحت تأثیر تغییرات اجتماعی و تاریخی قرار دارد، اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. از این منظر، شعر احمدی به گونه‌ای از بازنمایی می‌پردازد که می‌تواند به‌عنوان الگویی برای بررسی تحولات اجتماعی و فرهنگی و تأثیر آن‌ها بر هویت فردی و جمعی در نظر گرفته شود (4).

نتیجه‌گیری کلی این پژوهش نشان می‌دهد که احمدی با بهره‌گیری از تکنیک‌های زبانی و نمادهای پیچیده، به نوعی بازنمایی هویتی دست یافته که در آن فرد به عنوان یک موجود چندلایه و پویا به تصویر کشیده می‌شود. این بازنمایی به خواننده امکان می‌دهد تا از طریق فرآیند تفسیر و درک نمادها، به معنای عمیق‌تر و پیچیده‌تری از هویت دست یابد. این رویکرد، ضمن تأکید بر نقش دیگران و تعاملات اجتماعی، نشان می‌دهد که هویت نه تنها به عنوان امری فردی، بلکه به عنوان پدیده‌ای اجتماعی و فرهنگی باید مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. در نهایت، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که احمدی با استفاده از نمادها، استعاره‌ها و تکنیک‌های زبانی توانسته است به یک بازنمایی هنری و چندبعدی از هویت دست یابد که نه تنها تجربه‌های فردی، بلکه تجربه‌های مشترک انسانی را نیز بازتاب می‌دهد. این ویژگی آثار احمدی می‌تواند به عنوان الگویی برای ادبیات معاصر فارسی مورد

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

This study delves into the intricate portrayal of identity and place within the poetry of Ahmadreza Ahmadi, a notable voice in contemporary Persian literature. Ahmadi's works are renowned for their rich symbolic language, evocative imagery, and an exploration of the self in contrast to the other, manifesting in a deeply reflective narrative style. Through the strategic use of symbols such as "mirror," "shadow," "home," and "city," Ahmadi engages with the reader on a journey of self-discovery, weaving complex layers of meaning that highlight both individual and social identity. This article examines these concepts in his poetry, addressing how Ahmadi uses language and symbolism to portray the evolving nature of self and other. The study responds to questions about how Ahmadi represents these constructs and explores the implications of his representations for the broader landscape of Persian literature (1).

Ahmadi's approach to identity, characterized by dynamic, ever-evolving portrayals, moves beyond a static representation. He presents identity as an ongoing process of negotiation and transformation shaped by internal conflicts and social interactions. This fluid conceptualization aligns with the idea that

استفاده قرار گیرد و به بسط و توسعه‌ی بحث‌های نظری پیرامون هویت و جایگاه در این حوزه کمک کند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

identity is not merely a personal attribute but a social construct continuously redefined through engagement with external influences (2). Symbols like the mirror and the shadow in his poetry serve as metaphors for self-reflection and duality, bridging the inner self with its outward manifestation. The mirror becomes an interface between the self and the other, offering a dual perspective in which identity is shaped by the gaze of both the self and those around it. This interplay between self and other in Ahmadi's work aligns with contemporary understandings of identity as a construct influenced by perception, introspection, and societal feedback (3).

Ahmadi's frequent use of accessible yet profound language allows his readers to experience the intricacies of identity and place from a personal, experiential standpoint. While maintaining a simplicity in diction, Ahmadi infuses his poetry with deep metaphors, employing recurring images that transform ordinary symbols into profound explorations of self. His use of natural elements, like trees and rivers, represents stability and change, respectively. These images reflect identity as both grounded in cultural and social heritage and simultaneously adaptable to evolving circumstances. For instance, the tree serves as a representation of a stable self, rooted in

tradition and community, while the river signifies the fluidity of identity, evolving and adapting to changes in life. This duality is crucial in understanding Ahmadi's interpretation of identity as both stable and transient, capturing the inherent tensions of self-exploration and cultural affiliation (5).

The notion of the other in Ahmadi's work takes on a multifaceted role, acting as both a source of reflection and challenge. The other is depicted as an essential element in shaping self-perception, pushing the individual towards a deeper understanding of their own identity. In certain poems, the other appears as an enigmatic and at times conflicting presence that complicates the individual's self-view. This presence underscores the relational nature of identity, where the self finds clarity, contrast, and even transformation through interactions with others. The concept of the other in Ahmadi's poetry thus transcends simple opposition; it is not merely an antagonist but a necessary component of self-realization. Ahmadi's treatment of the other resonates with psychological theories that posit identity as inherently relational, with the self defined and refined through interaction with external figures and societal constructs (1).

In Ahmadi's poetry, place functions not just as a physical location but as a conceptual space that influences identity formation. Symbols like "home" and "city" are repeatedly used to signify both belonging and detachment. The home, for instance, is often portrayed as a sanctuary representing personal identity and

security, a space where the individual is free to explore and reaffirm their selfhood. The city, on the other hand, reflects a broader, more public sphere in which social identity is performed and often questioned. By contrasting the familiarity of home with the complexity of the city, Ahmadi illustrates the dual nature of identity, oscillating between individual introspection and collective experience. This duality in Ahmadi's use of place adds another layer to his exploration of identity, underscoring the idea that personal and social dimensions of self are intertwined and constantly negotiated within various spaces of life (6).

The implications of Ahmadi's approach to identity and place extend beyond the personal realm and provide valuable insights for contemporary Persian literature. His poetry serves as a model for representing the multifaceted nature of identity in a society marked by cultural shifts and social transformations. By employing a language that is open to interpretation, Ahmadi invites readers to engage actively with his work, offering them the opportunity to explore identity as a fluid, relational concept. His portrayal of self and other is not limited to the individual level but rather reflects a collective experience, capturing the social and cultural tensions inherent in modern Iranian society. As such, Ahmadi's poetry contributes to the ongoing discourse in Persian literature, encouraging future poets and writers to

explore identity and place through innovative linguistic and thematic approaches (2).

In conclusion, this study underscores the significance of Ahmadi's poetic contributions as an exploration of identity and place that transcends conventional boundaries of Persian literature. His nuanced portrayal of self and other, combined with his symbolic use of language, presents a layered understanding of identity as an evolving construct. The study demonstrates how Ahmadi's poetry, through its unique blend of simplicity and profundity, offers a framework for understanding identity as a dynamic interplay of internal self-reflection and external social interaction. His work thus provides a theoretical lens through which readers and scholars can examine the complex and shifting nature of identity in contemporary Persian literature. By presenting identity as both personal and collective, stable and fluid, Ahmadi challenges traditional notions of self, suggesting instead a holistic perspective that considers the individual as part of an interconnected social fabric. This research highlights the lasting influence of Ahmadi's poetry, proposing it as a cornerstone for further exploration of identity, place, and the role of literature in articulating the human experience within an ever-evolving cultural landscape

References

1. Talebian Y, Sarfi S, Sharifpour E, Enayatollah K, Kasi A. Dualities in Ahmadreza Ahmadi's poetry. *Mystical Literature Studies*. 2010;3(4):21-34.

2. Iran Zadeh N, Jafarmanesh H. Revisiting ambiguity in the poetry collection "Tarh" by Ahmadreza Ahmadi based on Empson's theory. *Linguistic Rhetorical Studies*. 2023;33(14):33-60.
3. Kasi A, Basiri B. Semiotics of imagination and metaphor in the story "Neshani" by Ahmadreza Ahmadi. *Literary Techniques*. 2017;9(1):53-62.
4. Sayyadi Daryakenari A, Izadiar H. Semantic defamiliarization in contemporary literature centered on Ahmadreza Ahmadi and Gheysar Aminpour. *Literature, Mysticism, and Philosophy Studies*. 2017;16(3):20-31.
5. Esmaili M, Morad H. Deviation in Ahmadreza Ahmadi's poetry. *Literary Criticism and Stylistics Studies*. 2019;10(38):11-38.
6. Abdi Gourabi S, Khaefi A, Abbas S, Seyedorabi F, Seyedhasan A. Imagism in Ahmadreza Ahmadi's poetry. *Persian Language and Literature (formerly Journal of the Faculty of Literature, University of Tabriz)*. 2015;68(231):59-76.
7. Sharif Zadeh M. The metaphor of death in Ahmadreza Ahmadi's poetry from a cognitive linguistic perspective. *Interdisciplinary Persian Language and Literature Studies*. 2023;2(1):1-23.